

## باید حساب سی سال را پس بدن!

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

تهران - ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر: کوچه پس کوچه های حوالی ایستگاه متروی آزادی در خیابان آزادی

صدای هلی کوپترها. تیراندازی. بوی باروت. فضای پر از دود. گاز اشک آور. آژیر پی در پی.

غرش مردم. دیگر کسی نمیخواهد "رای اش را پس بگیرد". دیگر کسی یادش نیست که همه چی از تقلب در انتخابات شروع شد.

یکسره فریاد "مرگ بر دیکتاتور" بگوش میرسد.

سنگها خرد می شود. هر کسی تکه ای بر میدارد.

بچه ها حمله!

حمله میکنیم و حرف میزنیم:

خون، خون میاره. حساب سی سال را باید پس بدن. جواب اعدامی های ما را باید بدن. کارشون تمومه. نترسین. مواظب پشت بام ها باشین.

از آنجا شلیک میکنن. بچه ها تنها نیستیم از توپخونه تا همه تهران مردم حضور دارن. همه در حال جنگن. در خیابان و کوچه پس کوچه ها.

اینطوری بدتر شد.

نه اینطوری خیلی عالی شد.

آروم باشین. همه را میکشن.

نه. نمی تونن. دارن چنگ و دندون نشون میدن. اما میترسن. اونا بحرانی هستن نه ما. رهبر آنها به گریه و التماس افتاد نه ما.

موسوی در خیابان جیحونه. میگن غسل شهادت کرده.

از هر چی کلمه غسل و شهادته، حالمون بهم خورده.

- آی بچه ها پارچه بیارین. آتیش روشن کنین. گاز اشک آور. آب بصورت نزنین. دود هوا کنین.

آی مجید جان سنگها را هدر نده. زدی تو سرش. مگه نمی بینی کلاه داره سنگ بی اثره. خوب تر نشونه گیری کن.

کلانتری، پایگاه بسیج، یکجا را باید بگیریم و اسلحه در بیاریم. میگن بچه ها توی خیابونهای پائین به پایگاه بسیج حمله کردن.

نگا کن. عین سربازای اسرائیلی هستن که توی تلویزیون نشون میدن.

شعار "ایران شده فلسطین. مردم چرا نشستین" طنین می اندازد.

یکی میگه: اما فلسطین هم شصت ساله داره مبارزه میکنه و پیروز نشده. یکی دیگه میگه برای اینکه رهبران سازشکاری داشتن. یکی دیگه

میگه بخاطر اینکه با سنگ پراکنی همیشه جواب گلوله را داد.

همه درست میگن و دارن وسط میدان جنگ به دنبال راه پیروزی می گردن.

بچه ها عقب برین دارن میان. آی مردم در همه ی خانه را باز بذارین.

بچه ها حرکت بطرف شادمان.

ساعت ۶ تا ۷ - شادمان (خیابان شادمهر)

"مرگ بر دیکتاتور" / "مرگ بر سید علی شاه" / "مرگ بر خامنه ای" / "مرگ بر دیکتاتور. چه رهبر چه دکتر".

خیابان پر از دود است. همه جا برای خنثی کردن اثر گاز اشک آور آتش بپا شده است. آنانی که وسط خیابانند، دختر و پسر، خود را با وسیله

ای مسلح کرده اند. چند نفری باتوم دارن که هنگام زد و خورد با نیروهای سرکوب موفق به گرفتن باتوم آنها شده اند.

آقا برو عقب! ماشینتو سر کوچه نگه ندار. این کوچه ها راه گریز مردمه.

"مرگ بر حکومت کودتا" / "دیکتاتور حیا کن. ریاستو رها کن".

بچه ها سنگر درست کنین.

تق توق. سنگ و چوب جمع آوری میشود. -

- پیرمردی میگوید: آفرین فرزندانم. شربت میخواهید؟

- یکی میگه: این انقلابه.

- دیگری میگه: این شروع انقلابه.

- سومی میگه: عین زمان شاه شده.

- بعدی میگه: نه اون موقع خیلی طول کشید تا به اینجا کشید. اوایلش کلی اعلامیه پراکنی بود تا به اینجا رسید.

- چهارمی میگه: آره از خرداد ۴۲ شروع شد تا به بهمن ۵۷ رسید.

- بعدی میگه: نخیر. این حرفا تبلیغات ایناست. انقلاب مال مردم بود. مردم انقلاب کردند. اینا سوارش شدند و دزدیدنش و تبلیغ کردند که ادامه سال ۴۲ بوده.

- نفر بعدی میگه: این چند روزه فشرده چند ماه بود.

- یکی میپرسه: حالا چی میشه؟

- اون یکی جواب میده: همه چیز بستگی به ما داره.

آی بچه ها اومدن. برین تو خونه ها.

یکی میگه: آقا چرا فرار میکنی؟

اون یکی میگه این فرار نیست. اسمش عقب نشینی است و قانون جنگه.

ناگهان. های هوی. شر شور. چی شده؟ چه خبره؟

زدنشون! سه تا را زدن! از کی؟ از مردم؟ نه! از اونا. سه تا موتور سوار را مردم گرفتن و حسابشونو رسیدن.

شور مردم به حد اعلا میرسد.

خوبشون شد. باید اینکارو کرد.

شعار "مرگ بر خامنه ای" خیابان را به لرزه در میآورد. یکی میگه: دیگه تموم شد. این شعار یعنی آخر کار.

## ساعت حدود ۸ - حوالی پل ستارخان.

جنگ تن به تن شده.

بچه ها: سراغ اونا رو که روی سپرشون نوشتن "حافظین امنیت مردم. یاوران رهبر" را برسیم.

یکی میگه "اینجا بدبختن. مثل ما هستن".

دیگری میگه: "اینجا برای کشتن ما آمدن."

دختری بشدت مضروب میشه. مردم اونو از زیر دست و پا در میآوردند و در خانه ای پنهانش میکنند.

یکی میگه من الان دکتر میارم. خبری میرسد: اون وانتی که داره میاد توش دو تا زخمی از بچه های خودمون هستن. راه را باز کنید تا قبل

از اینکه دستگیر بشن آنها را بجای امنی برسانیم. راه باز میشود.

همه مردم شده اند "بچه های خودمون".

ساعت حدود ۹ شب - آریا شهر (میدان صادقیه)

غلغله است. سیل خروشان مردم در میدان و خیابانها جاری است. همه جا آتش روشن است. فریاد "مرگ بر دیکتاتور" میدان را به لرزه انداخته است. نیروهای سرکوب عاجزند. مدام گاز اشک آور پرتاب میکنند. مردم به هم کمک میکنند. به هم یاد میدهند که چطوری با اثرات گاز مقابله کنند. همدیگر را بغل میکنند. می بوسند. دستان هم را می فشارند. حسی خوشایند به همه دست داده است. حس سر بلندی. مقاومت و مبارزه. حس غرور آفرین تسلیم نشدن.

درود بر شما. درود بر شما دختران و پسران شجاعی که در صف جلو قرار گرفته و بی پروا و دلاورانه می جنگید. درود بر تو ای دختر شجاع که در وسط میدان ایستاده ای و با صدایی گرفته و در حالی که روسری به دور انداخته ای فریاد "مرگ بر دیکتاتور" را سر میدی. درود بر شما پدر و مادری که دوشادوش فرزندان خود در خیابان هستید، تجارب انقلابی خود را به آنان منتقل میکنید و ترکیبی آتشفشانی برای از بین بردن این نظام ارتجاعی و ستمگر فراهم میکنید.

درود بر شما مردم سراسر ایران. در تهران و اصفهان و شیراز و تبریز و رشت و مشهد و اهواز و ... شما مردمی که این چنین سر بلند و مغرور بپا خاسته اید.

آگاهانه، هشیارانه و متهورانه ادامه دهیم و ادامه دهیم.....

[www.bazr1384.blogfa.com](http://www.bazr1384.blogfa.com)

[bazr1384@gmail.com](mailto:bazr1384@gmail.com)

## گزارشی از تظاهرات مردم به جان آمده تهران

اژانس ایران خبر - ۱۳۸۸/۳/۳۰

گزارشی دردناک از يك شاهد عینی :

مردم طبق وعده ای که کرده بودند، راس ساعت ۴ در میدان انقلاب حضور به هم رساندند اما مامورین امنیتی و ضد شورش از قبل تدابیری را برای جلوگیری از تظاهرات مردم اندیشیده بودند. در میدان انقلاب، خیابان های اطراف و همچنین خیابان هایی که به این میدان ختم میشد، تا چشم کار میکرد نیروهای امنیتی و ضد شورش حضور داشتند به طوری که دور میدان انقلاب به طور کامل پوشیده از این ماموران و ماشین هایشان بود.

در پیاده رو ها هر یک متر به یک متر مامورین با سلاح و سپر و ... ایستاده بودند و از هر گونه تجمع جلوگیری میکردند. به طوری که اگر مردم حتی در رفت و آمد خودشان قدری آهسته حرکت میکردند، پلیس با بلند گو به آنان هشدار میداد. اما نکته قابل تامل اینجا بود که مردم عزم جزم کرده بودند تاهر طور شده تظاهرات علیه حکومت بکنند .

تعداد مردم شرکت کننده در تظاهرات امروز به رغم تمام تمهیدات شدید نیروهای سرکوبگر نظام به راحتی به يك میلیون میرسید و به سختی انتهای جمعیت دیده میشد.

در ابتدا مردم به دلیل جو شدید امنیتی نمیتوانستند تجمع را شکل بدهند اما حوالی ساعت چهار بود که این جمعیت فوق العاده کثیر تصمیم گرفتند به سمت میدان آزادی حرکت کنند که با مخالفت شدید پلیس مواجه شدند.

نیرو های امنیتی، خیابان منتهی به میدان آزادی را بستند و مانع ورود مردم به آن خیابان شدند و از این جا بود که به تدریج موج اعتراضات مردمی بلند شد و اوج گرفت.

ابتدا هو کشیدند و بعد پلیس مردم را به زور به خیابان دیگری هدایت کرد. مردم خیابان جمالزاده را طی کردند و در انجا اندک در گیری رخ داد که چند تن از هموطنان زخمی شدند , یک پیر مرد از ناحیه سر به شدت مجروح شده بود . وقتی احوال او را از همسرش جویا شدم، او گفت "با باتوم به سر شوهرم کوبیدند و الان هم که میبینی داره از سرش خون میاد".

مردم وارد خیابان فرصت شیرازی شدند. یعنی در آنجا تمامی جمعیت به هم پیوستند و در حال شعار دادن خیابان را به سمت میدان توحید طی کردند. در همین حین در ابتدای خیابانی شیرازی یک زن جوان مورد هجوم یک مامور بی رحم قرار گرفت. این مامور با باتوم به سر و گردن این زن میکوبید و مردم در این حین عصبانی شده به سمت پلیس حمله کردند و اینجا بود که فتیله خشم و اعتراض و جنگ علنی روشن شد.

از این جا به بعد پلیس با نیرو های فوق العاده خشن و وحشی و با گاز های اشک آور غلیظ و سلاح های مختلف از جمله باتوم. شیلنگ- کابل- زنجیر و.... وارد عمل شد.

مردم از هر سو فرار میکردند، اما به هر سمت که میرفتند بسته بود و نیروهای امنیتی برای قفل کردن جمعیت آنجا را بسته بودند، بالا خره مردم مجبور شدند گاز اشک آور را تحمل کنند و با زور از آنجا رد شوند.

تمام خیابانهای اطراف گاز اشک آور زده شده بود و مامورین با تیر اندازی و ضرب و شتم مردم را متفرق میکردند و هر دسته را در خیابان یا کوچه ای گیر می انداختند تا سرکوب مردم برایشان راحت تر باشد..

در این میان موتور سوار های بی رحم وارد میدان شدند ، آنها هر کدام یک کوله پشتی حاوی گاز اشک آور داشتند و ثانیه به ثانیه این گاز ها را در میان مردم بی سلاح و بی دفاع پرتاب میکردند.

در یک صحنه که من خود شاهد آن بودم، یک پسر جوان هم سن خودم، کمی بزرگتر با پدر پیرش و مادرش در پیاده رو خیابان فرصت شیرازی مشغول راه رفتن بودند. این در همان حالی بود که اوضاع خیلی شلوغ و وحشتناک بود، یک موتور سوار با یک لحن بد و خشن این پسر مرد را هل داد و به گفت، این جا چه غلطی میکنی ، برو گمشو دیگه، و یک باتوم محکم به بازوی این پسر مرد کوبید. پسر این مرد که غیرتی شد با مامور درگیر شد و با لگد به شکم این مامور کوبید، و در این لحظه( الله اکبر، واقعا دلخراش بود) مامورین به این جوان حمله کرده ، آنقدر با ضربات باتوم و لگد و کابل این پسر جوان رازند که بدنش مثل خمیر بازی یا مثل گوشت قربونی شده بود. مادر این جوان هم که جیغ میزد و از زدن مامورین جلوگیری میکرد، مورد حمله با باتوم قرار گرفت و در یک لحظه( و در حالی که قلبم در حال ایستادن بود) دیدم که مامورین این پدر و مادر و فرزندش را به قصد کشت دارند میزنند. مردم هم جرات نمی کردند بیان جلو، یعنی مامورین نمی گذاشتند بیان جلو و با گاز اشک آور و شلیک گلوله مردم را فراری میدادند و مردم تنها کاری که میتوانستند انجام دهند این بود: فریاد الله اکبر، الله اکبری که زمین و زمان را می لرزاند. از اعماق وجودشان فریاد میزدند و گاهی به مامورین فحش ناموس میدادند. منم به قران قسم اشک از چشمانم جاری بود و مو به تنم سیخ شده بود. چون شاهد صحنه ای بودم که اصلا تصورش را هم نمی کردم. یک خانواده زیر چکمه ها و لگد های مامورین فریاد میزدند، جیغ میزدند، کمک میخواستند و هیچ کس نبود که به یاری آنان بشتابد. البته در این میان عده زیادی هم بازداشت شدند. و آنها را با دستبند به رکاب ماشین ها میبستند. در میان باز داشت شدگان ، هم زن مشاهده میشد، هم مرد. امروز قیامت بود ، قیامت.....

## آریا شهر تهران، امشب پرشور تر از شبهای دیگر

آژانس ایران خبر - ۱۳۸۸/۳/۳۰

بنا بر خبردریافتی از خبرنگار آژانس ایران خبر، امشب ساعت ۲۲۳۰ در آریا شهر مردم پرشور تر از هرشب بر پشت بام ها الله اکبر میگویند. بنا بر این خبر از امروز صبح به پایگاههای بسیج حکم تیر داده شده است که هرکس نزدیک شد بزنند در آریا شهر رسماً دیده شده است که سپاه به همراه گارد ویژه در محله حکومت نظامی بر قرار کرده است. سپاه رسماً به یگان ویژه التیماتوم داده است که اگر تا دوشنبه قیام مردم تهران توسط یگان ویژه سرکوب نشود ، از دوشنبه خود سپاه وارد می شود .

## اسامی تعدادی از زخمی شدگان سرکوب خونین مردم تهران

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

بنابه گزارشات رسیده از بیمارستانهای مختلف تهران، در اثر یورشها وحشیانه سپاه پاسداران یگانه ویژه لباس شخصی ها تعداد زیادی مردم تهران جانباختند و صدها زخمی به بیمارستانهای مختلف تهران منتقل شدند.

اعتراضات گسترده مردم تهران که در مناطق مختلف شروع شده بود با سرکوب خونین سپاه پاسداران و یگان ویژه و لباس شخصیها مواجه شد. سپاه پاسداران مردم را هدف شلیک مسقیم گلوله خود قرار داد. افرادی که جان باختند و یا زخمی شدند اکثرا از ناحیه شکم به بالا هدف گلوله ها و سایر ابزار خود قرار دادند. این سرکوب خونین منجر به جان باختن حداقل ۳۰ نفر شده است این آمار از چند بیمارستان گرفته شده است.

تعداد زخمیها به حدی زیاد بود که اورژانس تهران برای انتقال آنها به بیمارستانها ناچار به استفاده از اتوبوسهای شهری شده است. تنها در بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی(خمینی) بیش از ۸۵ زخمی که مورد اثابت گلوله و چاقو قرار گرفته اند بستری شده اند. وضعیت جسمی ۱۵ نفر از آنها بسیار وخیم می باشد. افراد زخمی شده از ناحیه سر، صورت، سینه و کمر زخمی شده اند.

تعدادی از زخمی شدگانی که به بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی (خمینی) منتقل شدند کسانی هستند که در محدودی میدان انقلاب، پارک اوستا، جمهوری می باشند.

از طرفی دیگر حراست دانشگاه تهران به محض ورود به بیمارستان از آنها عکس برداری میکنند و برای آنها پرونده تشکیل می دهند. اسامی تعدادی از زخمی شدگان خونین روز گذشته مردم تهران که بدست ما رسیده است به قرار زیر می باشد:

- ۱- سعید طباطبائی ۲۲ ساله، گلوله به ناحیه فك اصابت کرده و در نزدیکی دانشگاه تهران آسیب دیده
- ۲- مصطفی کاظمی ۳۰ ساله، اصابت گلوله به ناحیه پا در محدوده ایستگاه شادمان آسیب دیده
- ۳- علی جهانگیری ۳۲ ساله، خرد شدن دندانها به علت اصابت باتوم به صورت
- ۴- مرتضی شریفی ۲۸ ساله، اصابت گلوله به شکم در پارک اوستا مورد اصابت گلوله قرار گرفته
- ۵- محمد رضا پور محمد ۳۷ ساله، اصابت گلوله به کتف بین میدان انقلاب و آزادی زخمی شده
- ۶- یوسف عبدی ۲۱ ساله، اصابت گلوله به گردن در خیابان رودکی زخمی شده
- ۷- امیر علی بهرامی ۱۶ ساله، اصابت گلوله به شانه در خیابان نواب زخمی شده
- ۸- سمیه سعادت ۳۰ ساله، اصابت گلوله به دست چپ در نزدیکی بیمارستان امام زخمی شده
- ۹- حسین زینلی ۴۷ ساله، اصابت گلوله به پا سر دانشگاه شریف زخمی شده
- ۱۰- ایدا سحری زاده ۲۶ ساله، اصابت گلوله به بازوی چپ در خیابان کاوه زخمی شده
- ۱۱- ثریا محسنی ۴۲ ساله، شکستگی سر به علت اصابت باتوم در خیابان انقلاب زخمی شده
- ۱۲- سعید پور قاضی ۲۵ ساله شکستگی سر به علت اصابت باتوم در خیابان توحید زخمی شده
- ۱۳- اسماعیل دری ۳۷ ساله اصابت گلوله به پهلو راست در خیابان خوش زخمی شده
- ۱۴- صدیقه کشفی ۴۰ ساله اصابت گلوله به پا در خیابان اسکندری زخمی شده
- ۱۵- فاسم زمانی فر ۳۳ ساله شکستگی دست در خیابان اسکندری مجروح شده
- ۱۶- علی رضا شعبانی ۳۵ ساله اصابت گلوله به قفسه سینه در خیابان زارع زخمی شده
- ۱۷- الهه یمینی ۲۷ ساله اصابت گلوله به شکم در خیابان کاوه زخمی شده
- ۱۸- هما جوادی ۴۶ ساله در رفتگی فك به علت اصابت باتوم در کارگر شمالی
- ۱۹- خسرو خاوری ۵۲ ساله اصابت گلوله به دست در ایستگاه قریب زخمی شده
- ۲۰- ندا معصومی ۳۱ ساله اصابت باتوم به صورت و شکستگی بینی در خیابان جمهوری زخمی شده

۲۱- علی کهنه پوش ۲۴ ساله اصابت گلوله به صورت در خیابان جمالی نرسیده به میدان آزادی زخمی شده

۲۲- نریمان داوودی ۲۶ ساله اصابت گلوله به دست در خیابان آزادی زخمی شده

۲۳- ابولفضل جعفری ۲۸ ساله اصابت باتوم به سر و شکستگی سر در خیابان انقلاب زخمی شده

۲۴- علی اکبر همتی ۳۴ ساله اصابت گلوله به پهلو در خیابان قریب

پیکر جانبختگان به بیمارستان بقیه الله سپاه پاسداران منتقل شده اند.

بعد از تهدید ضمنی ولی فقیه رژیم علی خامنه ای به سرکوب خونین مردم در نماز جماعت تهران که منجر به واکنشهای گسترده بین المللی گردید. روز گذشته علی خامنه ای به تهدیدات خود جامه عمل پوشاند و مردم تهران و سایر شهرستانها را به خاک و خون کشاند. این جنایتهای توسط سپاه پاسداران صورت گرفته است که تحت امر ولی فقیه علی خامنه ای است. او به عنوان یک جنایتکار باید مورد پیگرد بین المللی قرار گیرد تا جنایت علیه مردم ایران پایان یابد.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، سرکوب خونین مردم ایران که به دستور علی خامنه ای صورت گرفت بعنوان جنایت علیه بشریت محکوم میکند. و از دبیر کل سازمان ملل و مراجع بین المللی برای متوقف کردن سرکوب های خونین علیه مردم بی دفاع استمداد می طلبد.

## اسامی تعدادی از جانبختگان راه آزادی

### فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

بناب گزارشات رسیده از تهران، یورش وحشیانه سپاه پاسداران و یگانه ویژه و لباس شخصی به مردم بی دفاع و بخاک و خون کشیدن مردم که منجر به جان باختن تعدادی زیادی از آنها شده است.

یورش وحشیانه و مغول وار به مردم بی دفاع تهران که با شلیک مستقیم گلوله توسط سپاه پاسداران بدستور ولی فقیه علی خامنه ای صورت گرفته تا به حال منجر به جان باختن تعدادی زیادی مردم شده است. اجساد جان باختگان راه آزادی به نقاط نامعلومی منتقل شدند و در دست مامورین وزارت اطلاعات می باشند.

اسامی تعدادی از جانبختگان راه آزادی مردم ایران به قرار زیر می باشد:

۱- مریم مهر آذین ۲۴ ساله

۲- میلاد یزدان پناه ۳۰ ساله

۳- حامد بشارتی ۲۶ ساله

۴- بابک سپهر ۳۵ ساله

گفته می شود که جان باختگان فوق در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کردند.

خانواده های جان باختگان صبح امروز در مقابل پزشکی قانونی تجمع کردند. صحنه های دردناک زجه مادران داغ دیده که همه را نسبت به این جنایات برافروخته بود باعث وحشت افراد آنجا شده بود. خانواده ها تا ساعتها در مقابل پزشکی قانونی بودند و خواستار تحویل گرفتن پیکر عزیزان خود بودند کسی جوابگوی آنها نبود. به مادران و پدران سوگوار گفته می شد که پیکر آنها اینجا نیست و باید به اداره پیگیری وزارت اطلاعات مراجعه کنند. وقتی که به ستاد پیگیری مراجعه کردند کسی جوابگوی آنها نیست.

مامورین وزارت اطلاعات خانواده های جان باختگان راه آزادی را به شیوه های مختلف تهدید می کنند که از افشای نام عزیزانشان خوداری کنند و در غیر اینصورت پیکر آنها را تحویل ندهند. آنها همچنین تهدید به دستگیری خانواده داغ دیده می کنند. و بطور مضاعف روی این خانواده فشار وارد می کنند تا آثار جنایت خود را پنهان کنند.

## گلوهای ساچمehی سدی در برابر آزادی نیست...

خبرنگار آزاد

نیروهای ضد شورش پلیس عصر شنبه ۳۰ خردادماه ۱۳۸۸ با بستن خیابان‌های اطراف میدان انقلاب تهران اقدام به پرتاب گاز اشک آور به سوی تظاهر کنندگان کردند و هم اکنون فضای این میدان پر از دود است.

به عنوان یک خبرنگار که شاهد ماجرا بودم: پلیس ضد شورش، بسیجی‌هایی که نیم‌تنه‌های خاکستری پوشیده و کلاه بر سر گذاشته بودند به باتوم و چوب و چماق به صورت دسته‌ی خیابان‌های انقلاب، میدان فردوسی، بلوار کشاورز، خیابان آزادی و هم چنین خیابان‌های فرعی که به این خیابان‌های اصلی راه داشت بسته و به شدت کنترل می‌کردند و هزاران پلیس و نیروی بسیج برای مقابله با تظاهر کنندگان به نتیجه انتخابات در این مناطق مستقر شده بودند. هر لحظه بر تعداد این نیروها اضافه می‌شد. ون‌هایی با شیشه‌های دودی پر از نیروهای انتظامی و بسیجی بود که با آوردن این نیروها هر لحظه بر نیروهای امنیتی افزوده می‌شد.

نیروهای ضد شورش برای متفرق کردن معترضان در حال پرتاب گاز اشک آور بوده و از گلوله‌های ساچمehی استفاده می‌کردند. گلوله‌هایی با پوکه‌های مشکلی که اندازه هر پوکه به ۳۰ سانتی‌متر و قطر آن ۷ سانتی‌متر می‌شد. بر اثر اثابت ساچمه‌های این گلوله به تظاهر کنندگان تا آنجایی که من به عنوان یک خبرنگار شاهد بودم بیش از ده نفر صدمه دیده و جراحات عمیقی برداشته بودند. تمامی سطل زباله‌های خیابان کارون، و خیابان‌های فرعی که از نواب به سمت آزادی به راه افتاده بودم، آتش گرفته و در بعضی از خیابان‌ها تل‌هایی از خاک ریخته شده بود. از بالای پشت بام‌ها به طرف نیروهای لباس شخصی و بسیجی که به انواع سلاح های سرد و گرم مجهز بودند، سنگ و شیشه پرتاب می‌شد. نیروهای لباس شخصی با حمله به اموال مردم و به خصوص ماشین‌ها، خسارات بی‌شماری وارده می‌کردند. فیلم شکستن پژو سبز رنگی که توسط من به عنوان یک شاهد گرفته شده، گواه بر این مسئله است. مردم با دل جان آمده بودند. نه کسی اغتشاشگر بود و نه ارازل اوباش. شعار می‌دادند ما خس و خاشاک نیستیم. خس و خاشاک تویی - دشمن این خاک تویی - مرگ بر دیکتاتور - برادر شهیدم، رای تو پس می‌گیرم - هاله ماه رو دیده، رای ما رو ندیده... تهران یک پارچه چهره کاملاً امنیتی و پلیس به خود گرفته بود و هنوز مشخص نیست که روند وقایع به کدام سو خواهد رفت.

درگیری میان تظاهر کنندگان و نیروهای انتظامی در تهران بسیار بالا بود. مردم هیچانی بودند اما خشونت را لازمه پیروزی نمی‌دانستند. شعار می‌دادند، دست می‌زدند اما نمی‌زدند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی از ساعت ۲ بعدازظهر، سرگرم اطلاع‌رسانی درباره لغو تظاهرات روز شنبه بود. اما مردم بی‌اعتنا به این اعلام، از ساعت سه در حال رفتن به تظاهرات بودند.

میدان هفت‌تیر، میدان امام حسین، میدان حر و... با وجودی که مسیر راهپیمایی نبود اما به گفته شاهدانی که از آن جا خود را به فرعی‌های آزادی رسانده بودند از صبح زود، مملو از یگان‌های ویژه پلیس بود.

احساس مردم به یکدیگر ستودنی بود. همه به هم کمک می‌کردند، کسی زیر دست و پا نمی‌ماند. تا آنجایی که ممکن بود اجازه داده نشد در آن حوالی که به عنوان یک خبرنگار شاهد بودم، کسی دستگیر شود.

تنها مورد دلخراش، یکی از تظاهرات کنندگان بود که به علت بیماری نتوانست بر ترس خود غلبه کند و در کنار ما افتاد و بر روی دست‌های ما جان داد. تنفس مصنوعی و... کار ساز نبود. تنها کاری که کردیم، انتقال وی به بیمارستان شهریار بود. نه آرسی در جیب داشت و نه موبایلی همراهش بود. حال بی‌خبر و بی‌اطلاع به خانواده، زندگی را بدرود گفت...